

# دکتر گری میدورز، شناخت اراده خدا، جلسه ۱۰، پردازش تصمیمات ما بر اساس جهان بینی و ارزشها

گری میدورز و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

خب، خوش آمدید. و اگر فهرست مطالب خود را مشاهده کرده و اسلایدها و یادداشت‌های خود را به طور مناسب بازبینی کرده‌اید، می‌دانید که به سخنرانی دهم رسیده‌ایم، که سخنرانی‌ای است که کمی در مورد پردازش فکر می‌کند. مقداری مرور و تکرار وجود دارد، اما قرار است با صدای بلند در مورد مسائل صحبت کنیم، و من قصد دارم با صدای بلند در مورد کارهایی که شما برای پاسخ به یک تصمیم مربوط به برخی مسائل انجام می‌دهید، تأمل کنم.

است، در بسته‌های یادداشت خود GM10 بنابراین، شما در حال پردازش سخنرانی شماره ۱۰، که همان هستید. من در کتابم، «تصمیم‌گیری به روش خدا»، یادداشت‌هایی را برای شما قرار داده‌ام که واقعاً نمی‌توانید آنها را ببینید. از آنجایی که اینجا هستیم، چیزهای زیادی را به شما نشان خواهیم داد.

اووووووف، من از اونجا بیرون نمیام. اینجا داره حسابی بهم میریزه. از نزدیک نشونت میدم.

بفرمایید، تصمیم‌گیری به روش خدا، راهی جدید برای شناخت اراده خدا. این کتاب از انتشارات بیکر است که عنوان‌ها را نوشته است. من می‌توانستم عنوان دیگری برایش بگذارم، اما به هر حال، این کاری است که آنها انجام داده‌اند.

آن [کتاب] اکنون با بیکر چاپ نشده است. با این حال، با لوگوس، به زبان‌های انگلیسی و اسپانیایی چاپ شده است. وقتی این سخنرانی‌ها تمام شود، شروع به بازنویسی و تولید جلدهای جدید خواهیم کرد که شامل تمام کارهایی که اینجا انجام داده‌ام و سپس برخی از آنها خواهد بود.

تقریباً مثل کاری که اینجا انجام می‌دهیم، ترتیب مطالب مشخص خواهد شد. با این حال، از آنجایی که این یک کتاب مکتوب است، باید برخی از جنبه‌های آموزشی تکرار را که در کلاس درس مهم هستند، کاهش دهم. نه همیشه کتاب خیلی مهمی باشد. پس مراقب این موضوع باشید.

کمی طول می‌کشد تا این کار را انجام دهم و این روزها چطور پیش بروم، اما خواهیم دید که چطور پیش می‌رود. خب، پردازش تصمیمات. مدل جهان بینی و ارزش‌ها چگونه ما را هدایت می‌کند؟ بارها گفته‌ام که این از شما می‌چکد.

خب، چون به ما یک شبکه می‌دهد. ما آن شبکه را در تصویر جاده‌ای که به شما دادم دیده‌ایم. این به ما یک شبکه می‌دهد که با آن تفسیر می‌کنیم.

ما زندگی و جهان خود را با جهان بینی و مدل خود تفسیر می‌کنیم و معنا را از طرف دیگر بیرون می‌کشیم. این مجموعه ادراکی ماست. این زبان جدیدی است که من به شما می‌دهم، اما رشته‌هایی وجود دارند که از این عبارت‌بندی، مجموعه ادراکی ما، استفاده می‌کنند.

این یعنی شما چگونه جهان را درک می‌کنید. این بخشی از مجموعه جهان بینی است. یک مجموعه ادراکی که معنا از آن می‌آید. ما معنا را به آن به این شکل نسبت می‌دهیم.

حالا، من اینجا نمی‌مانم چون شما این نمایش را دیده‌اید. پاسخ‌های شما به تمام تصمیمات از آن مجموعه ادراکی عبور می‌کند. یک فرد همانطور که فکر می‌کند، همانطور هم فکر می‌کند.

کتاب مقدس در موارد متعدد به این نکته اشاره می‌کند، و این بسیار مهم می‌شود. بسیار خوب، این یک نمودار کوچک دیگر است که فکر نمی‌کنم قبلاً به شما داده باشم، اما فکر می‌کنم مفید است. در اساس آن اراده خدا آشکار می‌شود.

در بالا، نوشته شده که اراده خدا، تشخیص الهی است. خوب، چطور به آنجا می‌رسید؟ خوب، اراده خدا به عنوان اراده حاکم و اخلاقی آشکار می‌شود. علاوه بر این، تشخیص الهی در این مورد نقش دارد و اراده خدا اعمال می‌شود.

بنابراین، از وحی تا کاربرد، ما قطاری داریم که باید با یکدیگر در ارتباط باشیم. این از نیت تعلیمی به تحلیل الهیاتی می‌رود. این کمی شبیه نمودار ساختار مستقیم ضمنی و خلاق است.

شما از پایین شروع می‌کنید، از هدف آموزشی یک متن تا تحلیل الهیاتی آن. همین موضوع اینجا هم صادق است. بنابراین تعدادی نمودار به شما داده‌ام.

را دارید، حداقل می‌توانید خودتان آنها را بنویسید. اگر PDF اگر پاورپوینت‌ها را دریافت نمی‌کنید اما فایل‌های یک نکته کوچک در گوشه‌ای برای ذکر منبع این موارد بنویسید، بسیار سپاسگزار خواهم بود، اما فقط می‌خواهم از آنها استفاده کنید و اگر برایتان مفید است، خدمت خود را ارتقا دهید. من فصلی در کتاب دارم. به نام «باب چطور؟»، البته این برای بسیاری از افراد معنایی نخواهد داشت.

این فیلمی محصول سال ۱۹۹۱ درباره مردی به نام باب بود که در واقع بیل موری بود. او یک کم‌دین است، یک کم‌دین بسیار جالب، و ریچارد دریفوس. ریچارد دریفوس یک روانشناس بود، و بیل موری نقش باب را داشت، و او بیمار دکتر دریفوس بود.

در فیلم، صحنه به این شکل پیش می‌رود: بیل موری نمی‌تواند هیچ کاری را به تنهایی انجام دهد. او همیشه باید با دکتر صحبت کند.

او همیشه باید پیش دریفوس برود و بگوید، و من نمی‌دانم چه کار کنم. او آنقدر به دریفوس وابسته شده بود که نمی‌توانست خودش فکر کند. اما فیلم انواع و اقسام پیچش‌ها و چرخش‌های عجیب و غریب را دارد.

احتمالاً می‌توانید آن را از اینترنت تهیه کنید و از تماشای آن لذت ببرید. اما در نهایت، او تقریباً دکتر را دیوانه می‌کند. دکتر شهر را ترک می‌کند تا از او دور شود.

او ظاهر می‌شود و حتی در نهایت با دختر دکتر ازدواج می‌کند چون نمی‌تواند از دکتر فرار کند. او کاملاً به دکتر وابسته است. خوب، خدا می‌خواهد ما به او وابسته باشیم، اما او این کار را به روش متفاوتی انجام می‌دهد.

او این کار را به روشی که ما در مورد آن فکر می‌کنیم و با آن برخورد می‌کنیم، انجام می‌دهد. هدایت خدا شخصی است، اما خصوصی نیست. ما آن را پردازش می‌کنیم.

ما در کتاب مقدس سیستمی نداریم که در آن هر چیز کوچک یا هر چیز بزرگ مطرح شود، منظوری این است که کلی چیزهای بزرگ وجود دارد. با چه کسی باید ازدواج کنیم؟ کجا باید دانشگاه بروم؟ چه نوع شغلی باید

داشته باشم؟ آیا باید، آیا می‌توانم شغلم را تغییر دهم؟ یا باید به کلیسا بروم؟ همه این نوع سوالات مطرح می‌شوند. اما خداوند سیستمی برای خصوصی‌سازی آن ارائه نداده است.

او سیستمی برای قضاوت در مورد آن از طریق جهان‌بینی و ارزش‌ها ارائه داده است. و برخی از آن یک مسئله اخلاقی نیست. بنابراین، ما آزادی انتخاب داریم، اما آن انتخاب باید چیزی باشد که در درون شما و در چارچوب ظرفیت‌ها، جهان‌بینی و ارزش‌های خودتان عمل کند.

راهنمایی شخصی است اما خصوصی نیست. علاوه بر این، ما باید مسئولیت اعمال و تصمیمات خود را بر عهده بگیریم. و این به معنای پذیرفتن مسئولیت گاهی اوقات است.

من در این مورد خیلی جاه‌طلب بودم، یا رؤیاهایی از عظمت داشتم و حاضر نبودم آن را بپذیرم. خودشناسی و اعتراف هر از گاهی برای روح خوب است. و باب هم با این موضوع روبرو شد، اما خنده‌دار است که چطور به آنجا رسید.

از وحی کتاب مقدس تا تشخیص، این یک فرآیند است. و این چیزی است که ما می‌خواهیم دنبال کنیم، حرکت از یکی به دیگری، بدون واسطه. بسیار خوب، توسعه مهارت‌های تشخیص.

نسبت به پیش‌فرض‌هایتان، از جمله سنت‌هایتان، خودانتقادگر باشید. این شامل شخصیت شما هم می‌شود. همه چیز را شامل می‌شود.

دوستان من، افراد بسیار کمی در زندگی هستند که در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند که واقعاً خودانتقادگر می‌شوند، جایی که شما خودتان را می‌شناسید. اگر زمینه‌ای نداشته باشید که در آن دوستان بسیار عزیزی داشته باشید که بتوانید به آنها بگویید، لطفاً در مورد خودم به من بگویید؟ من را چگونه می‌بینید؟ من را چگونه تجربه می‌کنید؟ آیا من را دوست دارید؟ آیا کارهایی که انجام می‌دهم را دوست دارید؟ آیا فکر می‌کنید دیوانه هستم؟ یا فکر می‌کنید ایده‌های خوبی دارم؟ به عبارت دیگر، ما به کسی خارج از خودمان نیاز داریم تا به ما کمک کند تا خودانتقادگر باشیم. اکنون، می‌توانیم متون مقدس و آموزه‌های آنها را بگیریم و خودانتقادگر باشیم.

من این کار را نمی‌کنم، آن کار را می‌کنم، اما ما به مردم نیاز داریم. و این یک نکته بسیار مهم در زندگی است که شما علاقه‌ای به ارزیابی شدن ندارید. پس، علاقه‌ای به رشد کردن هم ندارید.

شما باید با پیش‌فرض‌هایتان، با چیزهایی که به طور طبیعی برای تصمیم‌گیری از آنها استفاده می‌کنید، در ارتباط باشید. مثلاً بعضی از مردم خیلی عجول هستند. آنها باید بدانند که خیلی عجول هستند.

بعضی‌ها زیادی فکر می‌کنند. ما به آن فلج تحلیلی می‌گوییم. باید به آنها گفت.

انتقاد از خود، پایه و اساس یک فرآیند تشخیص است، به طوری که ما خودمان را به اندازه کافی خوب بشناسیم تا کلمات را بشناسیم، خدا را بشناسیم، سخنان او را بدانیم، آمین. بنابراین، و سنت‌های شما، باید در مورد آن خودانتقادی داشته باشید. باپتیست بودن، یا کاتولیک بودن، یا پروتستان بودن، یا پرسبیتی بودن یا هر چیز دیگری، چگونه بر شما تأثیر می‌گذارد؟ این چگونه بر شما تأثیر می‌گذارد؟ کتاب مقدس را در متن آن بشناسید.

خودانتقادگر باش و کتاب مقدس را بشناس. این یک تلاش مادام‌العمر است. خدای من، من فقط از اینکه معنای واقعی دانستن کتاب مقدس چیست، شگفت زده شده‌ام.

و من از آنچه از منبر و از دیگر مسیحیان به اصطلاح آگاه در مورد سطح دانش آنها از کتاب مقدس می‌بینم، بسیار ناامید هستم. آنها آن را به طور کلی می‌دانند. آنها می‌دانند که این یک آموزه اخلاقی کلی است، اما هیچ سرنخی در مورد اثبات زمینه‌ای که می‌تواند به یک تصمیم روشنایی ببخشد، ندارند.

خب، اگر آن را ببینند، خوششان می‌آید. من هم دیده‌ام که این اتفاق افتاده است. پس از خودتان انتقاد کنید. کتاب مقدس خود را بشناسید و روی آن کار کنید.

باید شروع کنی. باید منابع داشته باشی. نمی‌تونی فقط از طریق اینترنت این کار رو انجام بدی.

مطمئناً نمی‌توانید خودتان این کار را انجام دهید. حالا، اگر در موقعیتی در دنیا هستید که به این نوارها گوش می‌دهید و به آن چیزها دسترسی ندارید، اگر به اینترنت دسترسی دارید، می‌تواند مفید باشد، اما حتی ممکن است استفاده از آن برای شما خطرناک باشد. نمی‌دانم.

اما واقعیت این است که اگر باید کتاب مقدس را بشناسید، با یک فرهنگ لغت خوب شروع کنید. من فرهنگ لغت کتاب مقدس اردمن را به شما معرفی کردم.

همینجاست. همینجاست. فقط این را به شما نشان می‌دهم. و این کتاب مقدس است، یک فرهنگ لغت کتاب مقدس یک جلدی.

و من آن را به مردم توصیه می‌کنم زیرا می‌توانید به اینجا بروید و پاسخ بسیاری از سوالات خود را دریافت کنید. در اینجا دوباره، آن را کمی دقیق‌تر مطرح می‌کنم. فرهنگ لغت کتاب مقدس اردمن

توجه داشته باشید که این فقط مربوط به کلمات نیست؛ بلکه مربوط به مقالاتی در مورد کلمات است. در این کتاب مقدمه‌ای برای هر کتاب مقدس وجود دارد. هر کلمه‌ای در کتاب مقدس به نوعی در این کتاب پوشش داده شده است.

همه نام‌ها، مکان‌ها. مسائل کلامی خاصی وجود دارد، اما بیشتر آنها از اصطلاحاتی که در واقع در کتاب مقدس استفاده شده‌اند، گرفته شده‌اند. البته، این با کتاب مقدس انگلیسی مرتبط است.

بنابراین فرهنگ لغت کتاب مقدس اردمن می‌تواند یک ابزار یادگیری عظیم برای شما باشد، اگر به طریقی بتوانید آن را به دست آورید. کتاب مقدس برای شما نوشته شده است اما نه برای شما. شما این مفهوم را درک می‌کنید.

برای ما نوشته شده اما نه به ما. ببینید، بیایید مثلاً رساله‌ها را در نظر بگیریم. رساله‌ها نامه هستند.

ما آنها را رساله می‌نامیم. آنها همسران رسولان نیستند، اما رساله هستند. آنها نامه‌هایی در دنیای باستان هستند.

و آنها مانند نامه‌های دنیای باستان با درودها و اختتامیه‌ها و بدنه‌های اصلی و از این قبیل چیزها به نظر می‌رسند و عمل می‌کنند. آنها به طور جداگانه خطاب به جوامع افسس، کولسی و فلیمون نوشته شده‌اند. 1. یوحنا نامه‌ای عمومی است که به کلیساهای آسیای صغیر نوشته شده است، جایی که یوحنا و تیموتائوس. مربیان آنها بودند، به خصوص تیموتائوس پس از رفتن پولس.

بنابراین، برای شما نوشته شده است، اما نه برای شما. شما باید قبل از اینکه بتوانید بگویید برای شما چه معنایی دارد، بفهمید که برای آن افراد چه معنایی داشته است. این ساده نیست.

و با این حال، اگر قرار است بگوییم که از کتاب مقدس علیه... استفاده می‌کنیم، این مسئولیتی است که ما داریم. قرن‌تین اول کتابی است که این موضوع در آن بسیار برجسته است. من حدود 30 سخنرانی، حدود 30 ساعت سخنرانی در مورد قرن‌تین اول دارم، و اگر بخواهم بگویم، فقط دارم به طور سطحی به آن می‌پردازم.

اما شما باید بروید و به برخی از آن سخنرانی‌ها در مورد مسئله دادگاه‌ها و مسائل متعدد دیگر، هدایا و غیره نگاه کنید و بفهمید که برای آنها چه معنایی داشته است. شما نمی‌توانید از اول قرن‌تین در مورد دادگاه‌ها استفاده کنید و بگویید که این دادگاه‌های شما هستند. آنها دادگاه‌های رومی بودند.

دادگاه‌های آمریکایی وجود نداشتند. دادگاه‌های آلمانی هم نبودند. هر سیستم دادگاهی متفاوت است.

و روم چیزی داشت که آن را دعای آزادهنده می‌نامیدند. دادگاه‌های روم بسیار طرفدار کسانی بودند که جایگاه اجتماعی داشتند و برای کسانی که جایگاه اجتماعی نداشتند، بسیار سخت‌گیرانه عمل می‌کردند. بنابراین، کتاب مقدس برای شما نوشته شده است، اما نه برای شما.

شما باید به این روش عمل کنید و آن را درک کنید. علاوه بر این، متنی بدون زمینه، بهانه‌ای بیش نیست. ما قبلاً در مورد اول قرن‌تین ۲۲:۵ صحبت کردیم.

از هرگونه مظاهر شرارت دوری کنید. منظور از شرارت، هر نوع شرارتی است. در آنجا، می‌توانید به درس کتاب مقدس خود برگردید و ببینید که چگونه چهار یا پنج نسخه اصلی را که دارید با هم مقایسه کنید تا بتوانید ترجمه‌های جدیدتری از اصطلاحات را ببینید که به شما کمک می‌کند اشتباهات گذشته را مرتکب نشوید.

بعلاوه، در مورد جهان‌بینی‌تان. بنشینید و گاهی اوقات چیزهایی بنویسید. یک دفترچه خاطرات در مورد جهان‌بینی‌تان، اینکه جهان‌بینی‌تان امروز چگونه با شما کار کرده است و آنچه آموخته‌اید که به جهان‌بینی‌تان اضافه کرده‌اید، داشته باشید.

مغز شما مثل یک کامپیوتر است. باید مدام نرم‌افزار نصب کنید و هر از گاهی آن را به‌روزرسانی کنید تا اطلاعات مفید را بیرون بدهد. آن را بپذیرید.

ارزش‌های خود را شناسایی و روشن کنید. این کار خوبی است که در زمان‌های خاصی انجام دهید. کریسمس، ممکن است در بعضی جاها به دلیل تجاری شدن کریسمس، چیز خوبی باشد.

و حتی چیزهایی مثل اینکه، آیا می‌توانیم برای خیال‌پردازی ارزش قائل شویم؟ بابائوئل یک خیال‌پردازی است، وارن ویرزبی، که شاید اسمش را ندانید، واعظ بزرگی بود. یکی از چیزهایی که وارن ویرزبی در موردش نوشت، ارزش تخیل برای کودکان بود.

ما می‌دانیم که واقعی نیست. و از این جور چیزها. اما جنبه‌ای از تخیل وجود دارد که می‌تواند برای کودکی که در نهایت از آن عبور خواهد کرد، بسیار ارزشمند باشد.

گاهی اوقات به بعضی از بزرگسالان آسیبی نمی‌رساند. ارزش‌های خود را مشخص و روشن کنید. همچنین، یک فرآیند تصمیم‌گیری را به کار بگیرید.

و این همان نموداری است که به شما داده‌ام. و اینجاست که به نمودار بزرگتر نیاز دارید. هرگز آن را روی صفحه کامپیوتر نخواهید دید.

اما اگر فقط برای لحظه‌ای آن نمودار را بردارید و دوباره به آن نگاه کنید. دفعه‌ی قبل کمی بیشتر برایتان توضیح دادم. قصدش را داشتم، بنابراین منظورم این نیست که زیاد حرف بزنم.

اما مسائلی را در نظر بگیرید که با آنها روبرو هستید. برای مثال، فرض کنید در کشوری هستید که مسیحی بودن برای شما غیرقانونی است. یا ممکن است کسی باشد که به این نوارها گوش می‌دهد.

جایی که ممکن است به خاطر مسیحی بودن به زندان بروید، خب، این برای شما یک چالش است. چطور می‌خواهید با این موضوع کنار بیایید تا خدا را راضی کنید؟ و من نمی‌گویم که باید بدوید و بگویید، ببینید، من یک مسیحی هستم.

شما باید به این فکر کنید که به عنوان یک مسیحی چه اقدامات مناسبی برای شما مناسب است. و خانواده و اقوام خود را نیز در این امر دخیل کنید.

شما انواع و اقسام چالش‌ها را دارید که من هیچ ایده‌ای در موردشان ندارم. اما می‌توانید از طریق این چالش‌ها، از طریق جهان‌بینی و سیستم ارزشی خود، روی آنها کار کنید تا بتوانید به بهترین شکل ممکن با آن کنار بیایید. ممکن است کسی باشد که به این حرف‌ها گوش می‌دهد و فرد ثروتمندی است.

فرض کنید شما یک پزشک یا وکیل یا شخص دیگری هستید، و من در کلاس‌هایم تعداد زیادی پزشک و وکیل داشته‌ام که فقط می‌خواهند آموزش اضافی ببینند. اینکه شما در یک زمینه مهارت دارید، شما را در زمینه دیگری ماهر نمی‌کند. بنابراین، باید با جهان‌بینی و ارزش‌های خود و نحوه‌ی آگاهی‌بخشی کتاب مقدس به آنها ارتباط برقرار کنید.

و برای مطرح کردن سوالات شما. مثلاً مهندسی ژنتیک. همه پزشکان با مسائلی در مورد بافت جنین و انواع چیزهایی که در آن اتفاق می‌افتد، مواجه هستند.

در مورد مهندسی ژنتیک چطور؟ چگونه آن را در تصمیم‌گیری دخیل می‌کنید؟ و در مورد چه چیزهایی باید سوال پرسید؟ چون کتاب مقدس متن اثباتی در این مورد ندارد. بنابراین، به عنوان یک رهبر مسیحی در پزشکی، باید در مورد آن تأمل کنید. شاید حتی بتوانید مقاله‌ای در مورد چگونگی ارتباط جهان‌بینی و ارزش‌های مسیحی با مهندسی ژنتیک بنویسید.

خب، تحقیق در مورد کتاب مقدس به تحقیقات بسیار بیشتری از آنچه من می‌دانم نیاز دارد. برای مثال فوراً به این فکر می‌کنم که بروم و با چند فیلسوف مسیحی صحبت کنم که غرایز بیشتری در مورد چگونگی انجام این نوع تحقیق و تبدیل متن کتاب مقدس به ساختار خلاقانه آن دارند. این می‌تواند کار بسیار خوبی باشد.

بنابراین، همه ما باید فرآیند تصمیم‌گیری را به کار بگیریم. من فهرست‌هایی به شما داده‌ام. شما هم فهرست خودتان را دارید. لطفاً در مورد این موارد فکر کنید.

من در این مورد خاص، یک نمودار دیگر هم به شما داده‌ام. آن یکی هست، اما این یکی دیگر هم هست. این نمودار که باید آن را باز کنید، چیزی است که فقط آن را می‌خوانید و می‌بینید. من نمودار خودم را مثل این اسلاید باز می‌کنم تا بتوانم آن را ببینم.

فکر می‌کنم این یکی خیلی مفید است. من قبلاً از دانش‌آموزانم می‌خواستم این کار را در کلاس انجام دهند. این فرآیندی برای نوشتن یک مطالعه موردی تصمیم‌گیری است.

وقتی تصمیمی واقعاً، واقعاً جدی می‌گیرید، گاهی اوقات در حال نوشتن یک مطالعه موردی هستید، چه می‌کنید؟ خوب، در سمت چپ، تصمیمی را که باید ارزیابی شود به وضوح بیان می‌کنید. باید آن را بنویسید. آن را بنویسید.

وقتی بشارت می‌دهم، همیشه از شخصی که با او صحبت می‌کنم می‌خواهم کتاب مقدس را بخواند. من از آنها می‌خواهم متن را بخوانند. البته متن را نقل قول نمی‌کنم.

مجبورشان می‌کنم بخوانند. چرا؟ شاید در خاطرشان بماند. شاید برگردد و آزارشان بدهد.

نمی‌دانم خدا چطور ممکن است از این استفاده کند، اما من کاری می‌کنم که آنها چشم‌هایشان را به آن بدوزند. و گاهی اوقات، در مواجهه با یک تصمیم، ما فقط با نوشتن خودمان روی یک تکه کاغذ چیزهای زیادی یاد می‌گیریم. ما شروع به دیدن خودمان می‌کنیم که قبلاً نمی‌دیدیم.

بنابراین، شما تصمیم را برای ارزیابی ارائه می‌دهید. مسائل مربوط به آن تصمیم را تعریف می‌کنید و در صورت امکان، یک مطالعه موردی، یک داستان، برای شرح جزئیات ایجاد می‌کنید. شما این موارد را در رشته‌های مختلف دیده‌اید.

دوم، شما تصمیم را از طریق جدول تصمیم‌گیری که به شما داده‌ام، بررسی می‌کنید و می‌توانید آن سوالات کوچک موجود در آن را تغییر دهید، به آنها پاسخ دهید و آنها را به روش‌های مختلف بسط دهید. شما این را از طریق جدول بررسی می‌کنید. شما سوالاتی را برای تحقیق مطرح و روشن می‌کنید تا با تصمیم مقابله کنید.

می‌توانم این را با بحث سقط جنین مقایسه کنم. هیچ متن اثباتی در کتاب مقدس در مورد سقط جنین وجود ندارد، اما مطمئناً باید هنگام مواجهه با طلاق، جهان‌بینی مسیحی را در نظر بگیریم. پزشکان با این مسئله تراجنسیتی‌ها روبرو هستند.

همه، به ویژه در کلیسا، با نقش‌های جنسیتی، از جمله زنان و مردان، روبرو هستند. این نقش‌ها چگونه باید ایفا شوند؟ آیا زنان می‌توانند کشیش باشند؟ بنابراین، هر یک از این موارد نوعی متن دارند، برخی بیشتر از دیگران. برخی بسیار ضمنی هستند.

مسائلی که در جامعه پزشکی مطرح می‌شود، بسیار ضمنی خواهد بود و با این حال، ساختارهای خلاقانه‌ای برای پرداختن به آن وجود خواهد داشت. سوالات تحقیق را برای مقابله با این تصمیم روشن کنید. هرچه بیشتر به آن نگاه کنید، بیشتر آن را روشن می‌کنید و بیشتر سعی می‌کنید متن کتاب مقدس را پیدا کنید که ممکن است به آن پردازد.

گاهی اوقات، می‌توانید از یک کشف‌المعارف استفاده کنید، و کلمات به دلیل شباهتشان شما را به هدف‌تان می‌رسانند، اما بسیاری از اوقات، کلمات شما را به هدف‌تان نمی‌رسانند. شما باید به مفاهیم برسید، و این ممکن

است به نوع متفاوتی از کتاب نیاز داشته باشد که در آن بتوانید به فهرست مطالب نگاه کنید و در مورد آن بخوانید. شاید یک کتاب الهیات، بسته به اینکه سوال چیست

سوالاتی را که هماهنگ با جدول تصمیم‌گیری مطرح شده‌اند، بررسی کنید. یافته‌های خود را به جدول تصمیم‌گیری برگردانید و با بله، خیر و غیره آن را حل کنید. مزایا و معایب را فهرست کنید و در مورد آنها تأمل کنید.

همانطور که در تفکر خود در مورد آن تصمیم‌بالی می‌شوید، گزینه‌هایی را که در یک سناریوی تصمیم‌گیری مشروع می‌بینید، به صورت کتبی بیان کنید. روی آن گزینه‌ها کار کنید. شاید برخی از گزینه‌ها را حذف کنید، اما با آن گزینه‌ها کنار بیایید.

من یک غلط‌آملاپی اینجا می‌بینم. به صورت کتبی بیان کنید، تصمیمی بگیرید و فقط آن تصمیم را تکرار کنید. این یک فرآیند ساده برای وادار کردن شما به فکر کردن است. شما محتوایی برای فکر کردن دارید و تصمیمی برای ارائه آن محتوا دارید، اما از هر 10 بار، 9 بار سوالی می‌پرسید که هیچ متن مستقیمی در کتاب مقدس برای پاسخ به سوال شما وجود ندارد، بنابراین باید در دسته‌های بزرگتری فکر کنید، اما جرات نمی‌کنید فکر کنید که خدا اهمیتی نمی‌دهد فقط به این دلیل که اتفاقاً در کتاب مقدس نیست.

بسیار خوب، پس بفرمایید. خلاصه‌ای از مدل من، و به اندازه کافی این را شنیده‌اید. تصمیمات با در نظر گرفتن تفکر کتاب مقدسی در مورد مسائلی که با آنها مواجه می‌شویم، گرفته می‌شوند.

این فرآیند ذهن دگرگون‌شده است. همه انسان‌ها از جهان‌بینی و ارزش‌های خود تشخیص می‌دهند. این مؤلفه کتاب مقدس است که به مؤمنان برتری الهی می‌دهد.

جهان‌بینی و ارزش‌های ما از نظر خشنود کردن خدا به ما برتری می‌دهند، اما همه انسان‌ها، مهم نیست که شما چه کسی هستید، دین شما چیست، فلسفه شما چیست، شما هنوز هم آن را انجام می‌دهید، و به عنوان یک مسیحی می‌دانید که انجام آن ممکن است به شما در برقراری ارتباط با آنها کمک کند. وظیفه ما یافتن اراده خدا نیست، بلکه انجام آن است. آزادی انتخاب ما مشروط به طبیعت ما و به کارگیری جهان‌بینی و ارزش‌های ماست.

خب، این بخش دوم است و من مسائل را از زوایای مختلف پوشش داده‌ام. و امیدوارم تا الان شما کم‌کم متوجه شده باشید که چگونه یک مدل جهان‌بینی و ارزش‌ها تصمیماتی را که باید بگیرید پردازش می‌کند و چقدر ضروری است که در هر مورد خاص، کتاب مقدس را در آن بازی وارد کنید. حالا، چیزهایی که بسیاری از مردم بیشتر به آن علاقه دارند مربوط به موضوع و چالش است، و من فقط خوشحالم که می‌توانم با شما در مورد وجدان، نقش روح، دعا صحبت کنم، و من در حال کار بر روی مشیت الهی هستم، که یک جزء جدید است، تا آن را در یک بسته جداگانه قرار دهم، و امیدوارم این کار انجام شود تا بتوانم آن را نیز در سخنرانی‌هایمان بگنجانم. بنابراین، لطفاً آن جزوات را از قبل بخوانید، قسمت‌ها را بررسی کنید، و با بررسی مسائل وجدان و غیره، وقت گذراندن با هم را برای شما مفیدتر کنیم.

از توجه شما متشکرم و امیدوارم روز خوبی داشته باشید.